

تأثیر هزینه‌های سیاسی بر افشاء سودمند حقوق و مزایای هیأت مدیره

زهرا خواجوی خلیران

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران

دکتر مهدی صالحی، دکتر احمد احمدی

چکیده- آشنایی با اثر فرآیند و تصمیمات سیاسی بر جریان‌های نقدی شرکت‌ها ضرورت ویژه‌ای دارد و از منابع مهم و حیاتی هر واحد تجاری می‌باشند. مطالعه حاضر با استفاده از روش اسنادکاوی و مطالعه متون موجود در حوزه هزینه‌های سیاسی با هدفی علمی و برحسب گردآوری اطلاعات به صورت توصیفی که هدف آن توصیف کردن شرایط و پدیده‌های مورد بررسی است، در راستای بررسی نظری و جامع مطالعات انجام شده در این حوزه، ابتدا به بررسی هزینه‌های سیاسی و ماهیت فرآیند سیاسی می‌پردازد و در ادامه تأثیر فرآیندهای سیاسی بر روش‌های حسابداری را بررسی می‌نماید.

واژگان کلیدی: افشاء سودمند حقوق و مزایای هیأت مدیره، حاکمیت شرکتی، ساختار هیأت مدیره، ساختار مالکیت، هزینه‌های سیاسی.

مقدمه

سیاست‌مداران و مشتریان، اغلب مواقع از اطلاعات حسابداری برای مقایسه تلاش‌های بعمل آمده برای تخصیص دوباره منابع بین خود به عنوان هزینه شرکت استفاده می‌نمایند این تخصیص دوباره ممکن است توسط قوانین و مقررات دولتی (نرخ‌های مالیاتی، مالیات بر صادرات و واردات، حقوق و عوارض گمرکی، حق حفاظت از اموال و دارایی‌های شرکت) یا بوسیله گروه‌های متولی دولت و قانون‌گذاران مثل اتحادیه‌های کارگری ایجاد گردند. بنابراین هرگونه تلاش پیروز برای توزیع دوباره منابع شرکت‌ها به خارج شرکت‌ها به عنوان هزینه‌های سیاسی شناخته می‌شود (واتس و زیمرمن^۱، ۱۹۸۶).

فرضیه سیاسی بیان می‌دارد شرکت‌هایی که مورد موشکافی بیشتری قرار دارند هزینه‌های به نسبت بیشتری را در مقایسه با سایر شرکت‌ها متحمل می‌شوند و بنابراین برای گریز از این هزینه‌ها تمایل بیشتری به ارائه سود پایین‌تر و اعمال محافظه‌کاری دارند.

براساس فرضیه هزینه‌های سیاسی ارائه شده توسط واتس و زیمرمن (۱۹۷۸)، سیاستمداران این قدرت را دارند تا با استفاده از سیاست‌های توزیع درباره ثروت، منابع شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار دهند. همچنین پاداش-های نقدی از عوامل اصلی و موثر بر ثروت مدیران، می‌باشد. دگرگونی‌ها در جریان نقدی می‌تواند بوسیله مالیات، مقررات ویژه و اطلاعات مربوط به هزینه‌های سیاسی تحت تاثیر قرار گیرد. بنابراین مدیران مجبورند قوانین و مقرراتی را در نظر بگیرند که روی آن‌ها تاثیر می‌گذارند و در صورت امکان آن‌ها را کنترل نمایند.

هزینه‌های سیاسی

گروه‌های سیاسی برای اثرگذاری بر فرایند سیاسی، هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند که می‌تواند شامل هزینه مبارزات انتخاباتی و پشتیبانی از سیاستمدارانی باشد که به طور معمول، بخشی از این هزینه‌ها را در شرکت‌ها در فراخور زمان متحمل می‌گردند بنابراین آشنایی با اثر فرآیند و تصمیمات سیاسی بر جریان‌های نقدی شرکت‌ها ضرورت ویژه‌ای دارد و از منابع مهم و حیاتی هر واحد تجاری می‌باشند. این مطالعه می‌تواند شناخت مدیران را افزایش داده و اهمیت هزینه‌های سیاسی را برای آنان مشخص نماید. افزایش بهای تمام شده محصولات و خدمات شرکت‌ها از عواملی است که توان رقابتی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. هزینه‌های سیاسی، از هزینه‌های شرکت‌ها است و تشخیص و کنترل این هزینه می‌تواند در افزایش توان رقابتی شرکت‌ها در بازارهای داخلی و حتی بین‌المللی مفید باشد بنابراین با شناخت ماهیت و میزان کنترل‌پذیری این هزینه‌ها می‌توان میزان سوددهی و توان رقابت شرکت را کنترل کرد. نو بودن مفهوم هزینه‌های سیاسی در ایران و آشنایی بیشتر با این نوع هزینه‌ها، توسط مدیران ارشد شرکت‌ها و فعالان در بورس اوراق بهادار و متخصصان حرفه، می‌تواند پایه‌گذار پژوهش‌های آتی در این زمینه باشد.

الف. مالیات‌ها

مالیات از اقلام بااهمیت و اساسی و همچنین جزئی از هزینه‌های سیاسی می‌باشد و به عنوان هزینه‌های سیاسی اجباری در نظر گرفته می‌شود.

ب. هزینه‌های محیط زیست

ج. هزینه بیمه بازنشستگی

د. هزینه عوارض گمرکی

ه. هزینه‌های کمک به ورزش و کمک به ایجاد فضاهای آموزشی

ماهیت فرآیند سیاسی

فرآیند سیاسی باعث می‌شود شرکت‌های دارای حساسیت سیاسی، روش‌هایی را انتخاب کنند که سود را به تعویق اندازد. به هر حال، احتمال دارد که فرآیند سیاسی، انگیزه‌هایی برای کاهش واریانس تغییرات سود گزارش شده به وجود آورد. واریانس از این لحاظ مهم است که احتمال می‌رود مقررات دولتی در دوره‌هایی وضع شود که سود زیاد است و در دوره‌های بعد که سود پایین‌تر است توجهی به آن صورت نگیرد. این عدم تقارن با هزینه‌های اطلاعات سازگار است. رسانه‌ها اغلب درصد افزایش را در مقایسه با دوره مشابه سال قبل محاسبه می‌کنند. (سولومنز^۱، ۱۹۷۸).

در فرایند سیاسی دو نظریه مطرح است که در یک نظریه مطرح شده، فرآیند سیاسی روشی برای مقابله با ضعف‌های شناخته شده در بازار است (حمایت از منافع عامه) و نظر دیگر این است که در فرآیند سیاسی مانند بازار، منفعت شخصی مطرح است و فرآیند سیاسی، میدانی برای کسب ثروت می‌باشد. (سولومنز، ۱۹۷۸).

تاثیر فرآیندهای سیاسی بر روش‌های حسابداری

استفاده سیاست‌مداران و قانون‌گذاران از ارقام سود، این فرضیه را مطرح کرده است که مدیران شرکت‌ها انگیزه دارند که از آن گروه روش‌های حسابداری (مثل روش استهلاک تسریعی) استفاده کنند که سود گزارش شده را کاهش می‌دهد. سود گزارش شده پایین‌تر احتمال اقدامات مخالف از سوی دولت را کاهش و احتمال برقراری یارانه‌های دولتی را افزایش می‌دهد، اگر سیاست‌مداران و قانون‌گذاران ارقام سود را بابت انتخاب روش‌های حسابداری کاهنده سود توسط مدیریت، تعدیل نکنند، تا زمانی که بی‌اثر کردن انتخاب روش‌های حسابداری برای اشخاص ثالث هزینه داشته باشد، مدیریت انگیزه دارد روش‌های کاهنده سود را در سال جاری انتخاب کند. سیاستمداران سعی می‌کنند تورم را از طریق برنامه‌ها و قوانین مختلف حل کنند (برای مثال کنترل قیمت‌ها و دستمزدها، کنترل قیمت مواد سوختی، محدودیت واردات و سیاست‌های مالی و پولی). بعضی از این برنامه‌های دولتی از ارقام حسابداری استفاده می‌کنند. برای نمونه، در سال ۱۹۷۸ دستورالعمل ۱۲۰۹۲ صادر شد. هدف این دستورالعمل کاهش تورم از طریق نظارت بر قیمت قراردادهای دولتی بود. به هر حال شرکت‌هایی که سود آنها افزایش نیافته بود مشمول این دستورالعمل نبودند. این موضوع، نمونه دیگری

1- Solomenz, 1978

است که چگونه فرآیند سیاسی انگیزه‌هایی را برای مدیران برای انتخاب روش‌های حسابداری کاهنده سود، به وجود می‌آورد. (ارنولد^۱، ۱۹۹۰).

اگر مدیری یک روش حسابداری را به منظور کاهش سود گزارش شده و هزینه‌های سیاسی تغییر دهد، این به دلیل تغییر هزینه‌های سیاسی است. برای مثال، شرکت یا صنعت به عنوان یک مجموع سودآورتر شده و توجه قانون‌گذاران را به خود جلب کرده است. تاثیر نهایی تغییرات حسابداری به منظور انجام کاهش هزینه‌های سیاسی، افزایش قیمت سهام می‌باشد. به هر حال اگر تغییر ناشی از هزینه‌های سیاسی فزاینده صنعت باشد، مشکل است که بتوان اثرات مثبت تغییر را از اثرات منفی افزایش هزینه‌های صنعت جدا کرد. افزایش هزینه‌های سیاسی باعث می‌شود که بازار انتظار تغییر داشته باشد. هر چه افزایش بیشتر باشد، احتمال تغییر روش به منظور کاهش هزینه‌های سیاسی بیشتر خواهد شد.

اگر یک روش حسابداری حذف شود که نسبت به روش‌های بدیل سود کمتری گزارش می‌کند، این تحدید مانع مدیریت از کاهش هزینه‌های سیاسی از طریق اتخاذ روش حذف شده می‌گردد و بنابراین قیمت سهام را کاهش خواهد داد. واریانس سود نیز می‌تواند بر هزینه‌های سیاسی اثر گذارد. اگر دو روش وجود داشته که سطح سود یکسانی را به طور میانگین گزارش کند، اما یکی واریانس سود بیشتری ایجاد کند، مدیریت روشی را ترجیح خواهد داد که واریانس سود کمتری دارد. زیرا در فرآیند سیاسی سود بالا مورد توجه قرار می‌گیرد و زبان‌های عمده نادیده گرفته می‌شود. روش دارای واریانس سود بالاتر، به احتمال بیشتر ارقام سود بالایی را گزارش می‌کند. تحدیدی که روش‌های با واریانس سود بالا را حذف کند، باعث افزایش قیمت سهام و عکس آن باعث کاهش قیمت سهام خواهد شد. توسعه مجموعه روش‌ها از طریق فرایند سیاسی قیمت سهام را افزایش می‌دهد اگر روشی را اضافه کند که سطح یا واریانس سود را کاهش دهد، باعث کاهش قیمت سهام خواهد شد اگر سطح یا واریانس سود افزایش یابد. اثرات تغییرات اجباری ناشی از فرآیند سیاسی بر قیمت سهام تحت تاثیر هزینه روش‌های مختلف کاهش هزینه‌های سیاسی است. اگر وضع یک استاندارد مورد انتظار باشد، اعلام آن تاثیر چندانی بر قیمت سهام نخواهد داشت. این اثرات باعث ایجاد مشکل در انجام آزمون‌های قوی اثرات قیمت سهام می‌شود. استانداردها برای شرکت‌های مختلف کاربرد دارند و احتمال اینکه استاندارد اعلام شده برای شرکت‌های مختلف کاربرد مشابهی داشته باشند، منجر به اعلام اثرات بزرگ‌تر قیمت سهام برای شرکت‌هایی می‌گردد که هزینه‌های سیاسی آنها تحت تاثیر استاندارد قرار خواهد گرفت. با

1- Ernoled, 1990

توجه به مطالب فوق و این احتمال که بازار تغییر در استاندارد را بیشتر از تغییرات اختیاری پیش‌بینی می‌کند، طرح آزمون‌های قیمت سهام قوی برای تغییرات اجباری نسبت به تغییرات اختیاری ممکن‌تر است (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶).

با توجه به این دیدگاه خاص از فرآیند سیاسی، مدیران شرکت‌هایی که حساسیت سیاسی دارند، انتظار می‌رود روش‌های حسابداری را انتخاب کنند که سود گزارش شده را به دوره‌های بعد منتقل کند و تغییرپذیری سودهای گزارش شده را کاهش دهد. مدیران شرکت‌های تحت نظارت هنگام انتخاب روش‌های حسابداری، مقررات خاصی را مورد توجه قرار می‌دهند که بر آنها تأثیر دارد. هزینه‌های اطلاعات در فرآیند سیاسی موجب تغییراتی در روش‌های حسابداری می‌شود که بر قیمت سهام تأثیر دارد. تغییراتی که سود را افزایش می‌دهد، قیمت سهام را کاهش خواهد داد و برعکس تغییراتی که سود را کاهش دهد، قیمت سهام را افزایش خواهد داد. تغییر اختیاری روش‌هایی که باعث کاهش هزینه‌های سیاسی می‌شود، قیمت سهام را افزایش می‌دهد. به هر حال مشاهده این اثرات مشکل است، زیرا این اثرات با اثر تغییر در هزینه‌های سیاسی یا سایر عواملی درهم تنیده شده‌اند که موجب تغییر روش توسط مدیریت می‌شود. مشاهده اثر همچنین به دلیل این مشکل است که بازار انتظار تغییر را دارد. اثرات تغییرات اجباری احتمالاً قابل مشاهده خواهد بود زیرا تغییرات اثر متفاوتی بر هزینه‌های سیاسی شرکت‌ها دارد. شرکت‌های تحت نظارت و شرکت‌هایی که حساسیت سیاسی دارند، مساله نمایندگی نیز دارند و از ارقام حسابداری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی در قراردادهای بدهی و طرح‌های پاداشی مدیریت استفاده می‌کنند. اما با معرفی هزینه‌های اطلاعات در فرآیند سیاسی، ارقام حسابداری از طریق دیگری نیز بر جریان نقد آتی شرکت تأثیر می‌گذارند. مدیریت باید این عوامل را نیز در انتخاب روش‌های حسابداری در نظر گیرد. انگیزه‌های ایجاد شده از طریق فرآیند سیاسی (کاهش سود) در تضاد مستقیم با انگیزه‌های ایجاد شده از طریق قراردادهای پاداش مدیریت (افزایش سود) با توجه به سطح سود گزارش شده می‌باشد. ولی این دو مجموعه انگیزه اشاره به کاهش واریانس سود گزارش شده دارند. مدیران باید بین هزینه‌ها و منافع روش‌های حسابداری توازن برقرار کنند. روش‌هایی که به دلایل سیاسی یا مقرراتی بهینه است برای مقاصد قراردادهای بدهی یا پاداش مدیریت ممکن است مطلوب نباشد. اطلاعات کمی در مورد حجم نسبی هزینه‌های قرارداد و هزینه‌های مقررات و سیاسی وجود دارد. بنابراین، عامل‌های تصمیم‌گیری مدیریت و چگونگی آن بین شرکت‌های مختلف، متفاوت است و نمی‌توان از قبل آن را تعیین کرد. شواهد تجربی نشان می‌دهد که انتخاب روش‌های حسابداری با متغیرهایی تغییر می‌کند که

احتمالاً به هزینه‌های قرارداد و هزینه‌های سیاسی مرتبط است، تغییر می‌کند، بنابراین می‌توان برای ایجاد توازن در هزینه‌های سیاسی و هزینه‌های قرارداد پیش‌بینی‌هایی انجام داد. همان گونه که فرآیندهای سیاسی و قرارداد انگیزه‌های متضادی برای مدیریت در انتخاب روش‌های حسابداری ایجاد می‌کند، پیش‌بینی‌های متضادی نیز در مورد اثرات قیمت سهام تغییرات در روش‌های حسابداری ارائه می‌کند. تغییری که سود را افزایش می‌دهد، قیمت سهام را افزایش می‌دهد، به این دلیل که احتمال نقض فنی قرارداد وام را کاهش می‌دهد و همزمان قیمت سهام را به دلیل افزایش هزینه‌های سیاسی کاهش می‌دهد. در بررسی اثرات تغییرات بر قیمت سهام، متغیرهایی که احتمالاً به هزینه‌های سیاسی و قرارداد مربوط هستند برای برآورد اثرات متضاد بر قیمت سهام استفاده می‌شوند (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶).

نتیجه‌گیری

هزینه‌های اطلاعات در فرآیند سیاسی موجب تغییراتی در روش‌های حسابداری می‌شود که بر قیمت سهام تاثیر دارد. تغییراتی که سود را افزایش می‌دهد، قیمت سهام را کاهش خواهد داد و برعکس تغییراتی که سود را کاهش دهد، قیمت سهام را افزایش خواهد داد. مدیران باید بین هزینه‌ها و منافع روش‌های حسابداری توازن برقرار کنند. بنابراین، عامل‌های تصمیم‌گیری مدیریت و چگونگی آن بین شرکت‌های مختلف، متفاوت است و نمی‌توان از قبل آن را تعیین کرد.

منابع

1. Arnold, P (1990) "The state and political theory in corporate social disclosure research: a response to Guthrie and parke, advances in public interest accounting" vol 34T.
2. Solomons, D (1978) "The politicization of accounting" journal of accounting November
3. Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1990). Positive accounting theory: a ten year perspective. Accounting Review, 131-156.